

## بررسی شخصیت خسرو پرویز ساسانی در شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه آلفرد آدلر

محدثه محمدی<sup>۱</sup>، نسرين قدمگاهی ثانی<sup>۲</sup>، محمد رجبی<sup>۳</sup>.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.  
<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)  
<sup>۳</sup> استادیار گروه علوم پایه و علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

نویسنده مسؤول: Email: [ghadamgahi@iau.ac.ir](mailto:ghadamgahi@iau.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

### چکیده

پژوهش حاضر در حوزه مطالعات روان‌شناسی ادبیات-روان‌شناسی با هدف تحلیل شخصیت خسرو پرویز، شاه ساسانی، بر مبنای نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر روان‌شناس اتریشی (۱۸۷۰-۱۹۳۷ م.) انجام شده است. با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، سعی شده است رفتارها و تصمیمات خسرو پرویز در شاهنامه فردوسی از منظر روان‌شناسی فردی بررسی شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه‌های دوران کودکی، روابط خانوادگی و فشارهای اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت پیچیده و گاه متناقض خسرو پرویز ایفا کرده‌اند. بر این اساس، احساس حقارت و تلاش برای جبران آن از طریق برتری‌جویی، یکی از مهم‌ترین محرک‌های رفتاری وی محسوب می‌شود. این پژوهش بر اهمیت تحلیل روان‌شناختی متون ادبی و تأثیر شرایط روانی بر سرنوشت افراد تأکید دارد و نشان می‌دهد که فردوسی با شناخت دقیق روان انسان، توانسته است شخصیتی زنده و چند لایه بیافریند و نشان دهد مسیرهای ناسالم و جبران احساس حقارت چه پیامدهای منفی گسترده‌ای برای فرد و جامعه به دنبال خواهد داشت.

**کلیدواژه:** خسرو پرویز، شاهنامه فردوسی، الفرد آدلر، عقده حقارت، شخصیت.

### ۱- مقدمه

ادبیات، از جمله علوم است که می‌تواند بینش‌های ارزشمندی از رفتار انسان را ارائه نماید، از این رو همواره به عنوان یکی از ابزارهای مهم اطلاعاتی برای روان‌کاوی مورد استفاده قرار گرفته است. پردازش افراد براساس ضعف‌ها یا قوت‌های شخصیتی یکی از اصولی است که نویسنده یا شاعر به وسیله آن می‌تواند اثر خویش را ماندگار سازد. داستان‌ها و حکایت‌ها، آینه منش، تفکر و احساسات بشر هستند. با مطالعه و دقت در زمینه‌های گوناگون این سرگذشت‌ها، روش‌های آزمون و خطا بر انسان آشکار می‌شود و بدین ترتیب در یک روش روشن و منطقی می‌توان بهترین گزینه را برای یک زندگی آرمانی یا اصولمند انتخاب کرد. یکی از گنجینه‌های بی‌بدیل در تاریخ پر فراز و نشیب سرزمین ما شاهنامه است که فردوسی آن را از منابع ارزشمند گذشته، به نظم کشیده است. فردوسی - استاد فرزانه توس - با نگاهی نکته‌سنج در حدود هزار سال پیش، بر این اشاره دارد که فریفته پسته بیرون داستان‌ها نشویم و بکوشیم تا با کاوشی نهان‌گرایانه و نهادشناسانه، رازهای درون این پسته شگفت را بیابیم و بکاویم. پژوهشگران، شاهنامه را متن منظوم اساطیر و خدای‌نامه‌های نخستین می‌دانند و توجه فردوسی را در شخصیت‌پردازی بیشتر به تیپ‌سازی معطوف می‌شمارند. فردوسی با ایمان و اعتقاد راسخ و هم‌چنین مطالعه گسترده و فراگیر به انتقال این مفاهیم روشن‌گرایانه می‌پردازد تا خردمندان سهم خود را در آگاهی و ترسیم زندگی سعادت‌مندانه خوانندگان به انجام برسانند.

## ۱-۱- بیان مسأله

ادبیات با ارائه بینش‌های نظری و عملی از رفتار انسان در دوره‌ها و قرنهای مختلف ابزارهای مهم اطلاعاتی، برای روان‌کاوی است. اگر این اطلاعات ارزشمند با نظریه روان‌شناسان شاخص بررسی شود، بسیار سودمند است. یکی از این نظریه‌پردازان معاصر آلفرد آدلر دانشمند اتریشی است. نظریات و تحقیقات آلفرد آدلر در زمینه فرد و اجتماع است و با این وجود که شاهنامه فردوسی دارای پوسته‌های درونی و بیرونی است. اگر بر مغز و نهان آن راه یابیم، صدها راز ناگفته بر ما آشکار خواهد شد. آن‌گاه می‌توانیم گذشته‌های بسیار دور که بازتابی چندان از آن‌ها در تاریخ نیست، باز یابیم و بازشناسیم. یکی از این شخصیت‌ها خسرو پرویز، پادشاه ساسانی، فردی برجسته در ادبیات ایران است که فردوسی زندگی او را به تصویر کشیده است. وی به عنوان یک پادشاه عادل، شجاع و دانشمند شناخته می‌شود اما در برخی موارد، نقص‌هایی که شخصیت و رفتار او نیز نمایان می‌شود. برخی عقده‌های حقارت و ناکامی در دوران زندگی به وی نسبت داده‌اند. برای تحلیل روان‌شناسی شخصیت او، می‌توان از نظریات آلفرد آدلر، روان‌شناس معروف اتریشی بهره گرفت. آلفرد آدلر بنیان‌گذار مکتب روان‌شناسی فردی است و روان‌شناسی خود را بر چند اصل بنا نهاده است: احساس حقارت، برتری‌جویی، اسلوب زندگی، ترتیب تولد، خودآگاهی، علاقه اجتماعی، غایت‌نگری و خویش‌نخواستن خلاق. بر اساس عقیده آدلر برخی از اختلالات رفتاری و شخصیتی، ناشی از عقده حقارت است. عقده حقارت سبب کهنتر شمردن خود نسبت به دیگران می‌شود. این امر ممکن است منشأ واقعی هم‌چون ضعف یا نقص جسمانی داشته باشد و یا این‌که ذهنیات یا خیالات فرد بر اساس رفتار دیگران قدرت بگیرد. معمولاً افراد می‌کوشند عقده حقارت خود را جبران کنند و در صورت عدم موفقیت، دچار اختلالات عصبی و روانی می‌گردند. اگر در پرتو نظریه آدلر، پاره‌ای از داستان‌های شاهنامه را مرور کنیم، در می‌یابیم که رفتار برخی از شخصیت‌های شاهنامه تأییدی بر همان مفاهیمی است که آدلر در نظر داشته است. از طرفی انطباق رفتار برخی از شخصیت‌ها با نظریه آدلر، مؤید روشن‌بینی شایان توجه فردوسی در ژرفای طبیعت آدمی است. استادی و چیره‌دستی او در ترسیم و توصیف لایه‌های عمیق روانی شخصیت‌های اثرش، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. اگر بر آن باشیم که شاهنامه در گستره ادب فارسی، بیشترین قابلیت را برای تحلیل‌های روان‌شناختی دارد، گزاف و خام، داوری نکرده‌ایم. شناخت ژرف و استوار فردوسی از انسان، سبب شده است که در گزارش و سرایش شاهنامه، به هنگام شخصیت‌پردازی، بتواند به هزارتوی شخصیت‌های اثرش رسوخ کرده و آن‌ها را کاویده و گزارش نماید. -البته برخی از شخصیت‌ها در قالب داستان یا افسانه بر اساس کنش‌های روان‌شناختی، سابقه کهن دارد و وی آن‌ها را با خرد و شگرد ادبی خود به نظم می‌کشد -از این رو، روح و روان پیچیده شخصیت‌های شاهنامه محلی بسیار مناسب برای پژوهش‌های روان‌شناختی است. از آنجایی که حوزه پژوهش در این مقاله مربوط به روان‌شناسی ادبیات است؛ برآنیم که به مطالعه قوانین روان‌شناختی مربوط به نظریه عقده حقارت در داستان خسرو پرویز، پادشاه ساسانی، در شاهنامه فردوسی بپردازیم. ترسیم شخصیت شاهان ساسانی و بخصوص زندگی و منش خسرو پرویز -برجسته‌ترین شاه ساسانی- بر اساس نظریه آلفرد آدلر چگونه می‌تواند حاکمان و قدرتمندان و افراد تأثیرگذار را در رسیدن به راه سعادت و به‌منشی، یاری رساند؟

## ۱-۲- سؤال‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی که در این مقاله مطرح است عبارتند از:

۱. شخصیت خسرو پرویز در اثر حماسی فردوسی، از جهت روان‌کاوی، از چه زاویه‌هایی قابل تحلیل است؟
۲. نکته‌های تاریک و روشن شخصیت‌ها و نقاط ضعف و قدرت خسرو پرویز در شاهنامه چگونه می‌تواند کلیدی برای موفقیت راهکارهای اخلاقی روان‌شناسی و راهگشای بشر به سعادت باشد؟

## ۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

۱. شخصیت خسرو پرویز در روایت‌های شاهنامه را می‌توان در نظام تحلیلی شخصیت کمال‌طلب آدلر و در چارچوب عقده حقارت بررسی کرد.

۲. در برخی از داستان‌های شاهنامه، بررسی نکات قوت و ضعف انسان‌ها و بخصوص حاکمان سبب روشنگری برای یک زندگی سعادت‌مندانه است. بررسی این نکته‌های آشکار و پنهان، راهنمای خوبی برای مردم است.

#### ۱-۴- پیشینه پژوهش

آنچه پیش از این در راستای این پژوهش در زمینه نقد روان‌شناسی بر پایه نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر، صورت گرفته عبارتست از: دادستان، پریخ (۱۳۷۶). در پژوهشی با عنوان آدلر و آدلرنگری بیان می‌کند که آدلر مفهوم جبران را در قلمرو روان‌شناسی برجسته ساخته و نظام وی بر مبنای احساس کهرتری، تعارض بین موضع اجتماعی واقعی و خواسته‌های فرد، مفهوم ساخت خلقی و انعکاس آن بر شکل‌گیری شخصیت بنا نهاده شده است. قائد علی، صدرا (۱۳۸۲). در پژوهشی با عنوان تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی در دو منظومه «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» به این موضوع می‌پردازد که با توجه به شیوه شخصیت‌پردازی نظامی متوجه می‌شویم، تحرک و پویایی در داستان خسرو و شیرین به دلیل این که هر دو شخصیت پویا و همه جانبه‌اند بیشتر از داستان لیلی و مجنون است، پس ارزش و اهمیت بیشتری دارد.

فاطمی، سید حسین و درپر، مریم (۱۳۸۸). در پژوهشی با عنوان بررسی سازوکار شخصیت‌ها در خسرو و شیرین نظامی با استفاده از الگوی کنش‌گر گریماس دریافت می‌شود که از نظر داستان‌پردازان خسرو و شیرین، آزادگی شخصیت زن داستان و قاطعیت او در عمل، در مقایسه با داستان لیلی و مجنون که اشاره به یک جامعه سنتی دارد، ارزش به حساب می‌آمده است. در واقع دو جامعه از نظر فرهنگی متفاوت می‌باشند.

امین‌زاده، سلیمان (۱۳۸۹). در پژوهشی با عنوان پدران و پسران به روایت تاریخ و شاهنامه فردوسی (خسرو پرویز، شیرویه و شیرین شاهدخت ایرانی) به این موضوع می‌پردازد که فردوسی در روابط پدران و پسران، شخصیت‌های داستان‌های خود را از داده‌های تاریخ ایران بر می‌گزیند و با اندیشه‌های خود پیوند می‌دهد. صدیقی، مصطفی (۱۳۹۱). در پژوهشی با عنوان سنجش و تحلیل شخصیت زال و بهرام بر پایه نظریه سبک زندگی آدلر با تحلیل واکاوی دو شخصیت زال و بهرام در سه قلمرو، جامعه، کار و عشق به عنوان سبک زندگی سنجیده شده‌اند. زال و بهرام خردمندانه رفتار می‌کنند، به وصال عشق خود دست می‌یابند. جامعه این دو شخصیت را می‌پذیرد و آن‌ها را شایسته ملک می‌داند.

حسینی‌مقدم، اسما (۱۳۹۵). در پژوهشی با عنوان تحلیل شخصیت خسرو در منظومه خسرو و شیرین نظامی با تکیه بر نظریه معنماحور نشان می‌دهد که خسرو یک شخصیت چندبعدی دارد و برجسته‌ترین صفت روایی وی کام‌جویی است و هم‌چنین شخصیت پیچیده او باعث تأثیرگذاری و ماندگاری اش در تاریخ شده است.

ملک، زهره و جعفری، سیاوش (۱۳۹۶). در پژوهشی با عنوان بررسی و تحلیل شخصیت خسرو در منظومه خسرو و شیرین بر اساس نظریه فروید به ویژگی‌های شخصیتی خسرو در مراحل مختلف رشد وی، با مراحل رشد روانی-جنسی فروید تطبیق داده شده است.

غلامی، ذوالفقار و دیگران (۱۳۹۷). در پژوهشی با عنوان فرایند فردیت در داستان خسرو و شیرین (با تکیه بر شخصیت خسرو) از دیدگاه یونگ به بررسی شخصیت خسرو پرویز و تحول به وجود آمده در وی با روش تحلیلی-توصیفی می‌پردازد.

رضایی، مهدی و اکبری، لیلیا (۱۴۰۰). در پژوهشی با عنوان روایت شاهنامه از گفتمان قدرت در داستان بهرام چوبینه و خسرو پرویز فردوسی، قدرت در دربار سیاسی ایران ضرورت انتساب به تبار پادشاهان، بزرگان و پهلوانان از یک سو و لزوم مقبولیت ملی و مردمی از سوی دیگر در کسب حاکمیت مشروع، نوع خاصی از گفتمان را میان خسرو و بهرام رقم زده است.

جعفری، مرضیه (۱۴۰۱). در پژوهشی با عنوان بازخوانی خسرو و شیرین شاهنامه از منظر نقد روان‌کاوی به بعد اجتماعی داستان خسرو و شیرین می‌پردازد و بیان می‌کند افرادی که باعث مرگ خسرو شدند به احتمال زیاد از عقده حقارت رنج می‌بردند.

عبدالله‌پور، ستار و دیگران (۱۴۰۱). در پژوهشی با عنوان بررسی و تحلیل شخصیت کوش پیل دندان بر پایه نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر به بیان مکانیسم‌های جبران در کوش پیل دندان در رابطه با عقده حقارت و طردشدگی مطابق با نظریه آدلر به بروز رفتارهای غیرعادی که عبارتند از: بدرفتاری با دیگران، بدبینی، دروغ‌گویی، حيله‌گری و... می‌پردازد.

حقیقت‌پور، نصیبه و دیگران (۱۴۰۲). در پژوهشی با عنوان تحلیل روان‌شناسانه شخصیت بهمن در بهمن‌نامه و شاهنامه بر اساس نظریه آلفرد آدلر شخصیت بهمن را از دیدگاه عقده حقارت، سبک زندگی، برتری‌جویی، خودآگاهی و غایت‌نگری مورد بررسی قرار می‌دهد و بیان می‌کند واکنش‌های بهمن هنگام رسیدن به قدرت، جزء متشکله ساختمان شخصیت و سبک زندگی او نیست بلکه این واکنش‌ها اهداف، باورها و اصول اخلاقی بهمن را شکل می‌دهند.

اما با وجود پژوهش‌ها و مطالعات مختلف درباره شاهنامه و نظریه آلفرد آدلر تا کنون اثری مستقل در مورد بررسی و تحلیل شخصیت خسروپرویز براساس اصول نظریه آلفرد آدلر قرار نگرفته است. خلأ تحقیقاتی در این مورد، ضرورت انجام پژوهش را به اثبات می‌رساند؛ بنابراین در این مقاله کوشش شده است با بهره‌گیری از نظریه آدلر، که در محدوده رویکرد روان‌شناسی شخصیت جای می‌گیرد، تحلیل نوینی از شخصیت خسروپرویز ارائه گردد.

## ۱-۵- روش پژوهش

ابتدا شاهنامه فردوسی و نظریه آلفرد آدلر و کتاب‌ها و مقالاتی که پیرامون این آثار نوشته شده است به طور اجمالی مطالعه می‌شود. در این پژوهش، در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود. در این روش، پس از مطالعه متون و اسناد مورد نظر، زیر مطالب مشترک و مربوطه خط کشیده شده است، در فیش‌ها یادداشت می‌شود سپس فیش‌ها مرتب و طبقه‌بندی می‌شود. و چکیده مطالب جمع‌آوری می‌شود. در پایان به تدوین رساله طبق دستورالعمل دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، پرداخته می‌شود.

## ۱-۶- اهداف و ضرورت پژوهش

اهمیت پژوهش این نوشتار بر آن است تا با در نظر گرفتن نظریه متن‌محور و بر پایه رویکرد روان‌شناسی، یکی از برجسته‌ترین اصول مطرح در حوزه نظریه‌های شخصیت یعنی عوامل بروز عقده حقارت را در چارچوب نظریه روان‌شناسی فردنگر آلفرد آدلر، در شخصیت اصلی داستان خسروپرویز به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد؛ بنابراین بررسی و شناسایی عوامل ایجاد عقده حقارت در وجود خسروپرویز و راه‌های جبران این عقده، با دقت در رویدادهای زندگی او، بر پایه روان‌شناسی آلفرد آدلر، هدف اصلی این پژوهش است. نگارنده بر آن است که نشان دهد خسروپرویز از عقده حقارت بر آمده از لوس شدن و کمبود محبت پدر و مادر رنج می‌برد و برای کاهش احساس حقارتش به جست‌وجوی جبران کمبودهایش بر می‌آید که در بیشتر موارد به راه‌های غیرسالم متوسل می‌شود. از آن‌جا که انجام چنین پژوهش‌هایی در راستای پژوهش‌های بین رشته‌ای به شمار می‌رود، می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های نوین و راهی در وحدت‌بخشی به علم و دانش در بخش علوم انسانی باشد. هم‌چنین با بررسی این آثار می‌توان قدرت درک هنرمند را از ویژگی‌های فردی شخصیت‌های آثارش دریافت که چگونه توانسته‌اند با شناخت خلق و خوی انسان، به خلق شخصیت‌های جاودان نائل بشوند. جنبه‌های روان‌شناسانه در تعلیم و تربیت می‌تواند باعث شکوفایی شخصیت و موفقیت فرد در زندگی و اجتماع شود. تا به حال پژوهش‌هایی از قبیل خسرو و شیرین از منظر نقد روان‌کاوانه، پدران و پسران به روایت تاریخ و شاهنامه، گفتمان و قدرت در داستان خسروپرویز و بهرام چوبینه پرداخته شده است ولی تا کنون کاری در زمینه روان‌کاوی شخصیت شاهان ساسانی بر اساس نظریه آلفرد آدلر انجام نشده است.

## ۲- مبانی نظری

آلفرد آدلر به عنوان پزشک و روان‌پزشک و نظریه‌پرداز اتریشی قرن بیستم، تحقیقات علمی خود را در زمینه فرد و اجتماع مورد توجه مردم قرار می‌دهد و مردم او را به عنوان بنیان‌گذار روان‌شناسی فردی می‌شناسند. آدلر به عنوان پیرو مکتب فروید، در نظریه عقده حقارت نظری متفاوت با فروید ارائه داد؛ به این ترتیب که فروید غریزه و وراثت را یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری شخصیت آدمی می‌دانست. بر اساس این نظریه، عوامل درونی مانند غرایز و حوزه ناخودآگاه در شخصیت فرد اثرگذار است. نظریه آدلر برخلاف نظریه فروید تأکید بر عوامل بیرونی و اجتماعی و نقش آگاهی انسان در شکل‌گیری شخصیت دارد (ر.ک. شولتز، ۱۳۸۳: ۱۴۸). بررسی دوران کودکی، جوانی و پادشاهی خسروپرویز بر مبنای این نظریه، منطبق بر داستان‌های شاهنامه در مورد تیپ شخصیتی فرد مورد نظر راه حل علمی-روان‌شناسانه ارائه می‌دهد. بر اساس نظریه آدلر، همان‌طور که می‌بینیم خسروپرویز برای رسیدن به برتری می‌کوشد و جنگ‌های بسیار می‌کند و فتوحات بسیاری به دست می‌آورد و می‌خواهد قدرتمندترین پادشاه ایران و حتی جهان شود. البته در مواقعی می‌بینیم گاهی این هدف‌ها خودپسندانه و خودمدارانه می‌شود و برای رسیدن به آن‌ها ظلم و ستم کرده و افراد بی‌گناه بسیاری را قربانی خواسته خود می‌کند. در تأیید رفتارهای خسروپرویز در شاهنامه که می‌تواند درس زندگی برای افزون‌طلبان باشد، دیدگاه آدلر را ذکر می‌کنیم. آدلر معتقد است که سراینندگان بزرگ جهان ادب به بسیاری از نکات مهم روان‌شناسی پی برده‌اند و این نکته در کنش‌های افراد در جریان داستان‌ها و حکایت‌ها به خوبی دیده می‌شود. هرچند محققان سعی دارند با بررسی آثار ادبی یک نویسنده یا شاعر، به روان‌شناسی آفریننده اثر بپردازند، اما با بررسی این آثار می‌توان قدرت درک این هنرمندان را از ویژگی‌های فردی شخصیت‌های آثارشان دریافت و

این که آفریننده این داستان‌ها با شناخت عمیق از خلق و خوی انسان، به آفرینش شخصیت‌های خود نائل شده‌اند. در این پژوهش برآنیم به معرفی نظریه عقده حقارت و شخصیت خسرو پرویز و برخی شخصیت‌های تأثیرگذار در زندگی او بپردازیم:

## ۱-۲- نظریه عقده حقارت

در تعریف عقده حقارت (Inferiority complex) می‌توان گفت: «مجموعه صفات، رفتار یا کرداری است که عمل یا کنش آن‌ها در بر کنار ساختن یک احساس کهنتری دردناک است» (منصور، ۱۳۵۸: ۱۴۶). عقده حقارت اصطلاح مشهور روان‌شناسی فردی است که برای نخستین بار توسط آلفرد آدلر مطرح شد؛ گرچه، بسیاری از دانشمندان علوم انسانی همچون استاند هال، ژانه و حتی فروید، قبل از آدلر آن را به کار گرفته بودند، اما تنها آدلر بود که با تشریح و توصیف دقیق و صحیح عقده حقارت به آن عمق و مفهومی تازه بخشید و آن را اساس تمام نظریات روان‌شناسی فردی قرار داد (منوچهریان، ۱۳۵۷: ۱۴۶). در نظر آدلر، عقده حقارت وقتی شکل می‌گیرد که این بیماری به صورت شدید بروز کند. وی معتقد است «عقده حقارت اغلب به نوعی برتری جویی جبرانی که طی آن فرد مجبور است به هر قیمتی سرآمد باشد، منتهی می‌شود» (کارور، ۱۳۷۵: ۴۶۰). همچنین عقیده او بر آن است که در هر انسانی، احساس حقارت وجود دارد؛ زیرا هر فرد در هنگام تولد موجودی کاملاً ضعیف و بیچاره است و در تمام دوران طولانی کودکی خود به دیگران تکیه دارد. این احساس حقارت را عوامل اجتماعی و جسمی تشدید می‌کنند. یکی از شیوه‌هایی که افراد برای جبران این احساس حقارت و ضعف به کار می‌برند، تلاش برای کسب قدرت است و انکار و عقب نشینی از واقعیت، شیوه دیگری در این مسیر است. سبک زندگی هر فرد منحصر به خود اوست که در تمام طول عمر، الگوی رفتارهای بعدی او قرار می‌گیرد. هر یک از این دو نوع برخورد همراه با احساس، سبک زندگی هر فرد را شکل می‌دهد. البته هدف تمام انسان‌ها، رسیدن به قدرت برتری است اما با وجود این، هر فرد برای رسیدن به این مقصود، روش‌ها و شیوه‌ها و روال خاص خود را دارد که همان سبک زندگی اوست. همین عامل اساس واکنش‌های فرد، خلاقیت‌ها و نحوه سازگاری او با خود و با جهان بیرون است. افراد زمانی به بیماری روانی دچار می‌شوند که غیر فعال و خودخواه باشند و انگیزه برتری طلبی داشته باشند و در چنین صورتی فرد در پیشبرد علایق اجتماعی خود به وقفه و محرومیت شدیدی دچار می‌شود (ر.ک. شاملو، ۱۳۸۴: ۹۲).

## ۲-۲- احساس حقارت و جبران

بر اساس نظریات آدلر، احساس حقارت یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای انسان است. (همان: ۹۳) خسرو پرویز در شاهنامه به عنوان پادشاهی قدرتمند و جاه‌طلب به تصویر کشیده می‌شود که همواره در تلاش برای گسترش قلمرو و قدرت خود است. این تلاش ممکن است ناشی از احساس حقارتی باشد که وی در دوران کودکی یا جوانی تجربه کرده است. جبران افراطی این احساس حقارت می‌تواند به صورت جاه‌طلبی و تلاش برای اثبات خود در قالب فتوحات و دستاوردهای بزرگ بروز کند.

## ۲-۳- شخصیت (persona)

شخصیت از پرسونا به معنی نقاب گرفته شده است. روان‌شناسان شخصیت را مجموعه پویا و سازمان‌یافته‌ای از خصوصیات می‌دانند که به طرز منحصر به فردی به شناخت افکار، انگیزه‌ها و رفتار شخص در وضعیت‌های مختلف تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، شخصیت ویژگی‌های مشخص و ملموس و واکنش‌های فرد است که در موقعیت‌های مختلف، از او سر می‌زند. کانون اصلی رشته روان‌شناسی شخصیت، نظریه‌هایی است که شیوه منحصر به فرد پاسخ‌دهی انسان‌ها را به محیط فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی‌شان توضیح می‌دهد. شخصیت، جنبه قابل رؤیت و بیرونی منش فرد، به صورتی که بر دیگران تأثیر می‌گذارد است و تعداد زیادی از خصوصیات ذهنی، اجتماعی و هیجانی را نیز دربر می‌گیرد (شولتز، ۲۰۱۳: ۱۱). نظام روان‌کاوی فروید اولین نظریه رسمی شخصیت بود و هنوز هم بسیار مشهور است (همان: ۷۰). شخصیت، در داستان به عنوان جنبه قابل رؤیت و بیرونی منش فرد، به صورتی است که بر دیگران تأثیر می‌گذارد و تعداد زیادی از خصوصیات ذهنی، اجتماعی و هیجانی فرد را در بر دارد. شخصیت‌پردازی را یکی از عناصر بنیادین داستان می‌دانند. شخصیت در داستان به صورت یک انسان یا حیوان، از بطن داستان برآمده است. شخصیت‌پردازی، خلق شخصیت‌هایی است که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کند. نویسنده معمولاً با شرح و تحلیل رفتار و افکار شخصیت‌ها، یا تحلیل این ویژگی‌ها با شرح و تفسیر خود آن‌ها را به طور مستقیم یا غیرمستقیم به خواننده می‌شناساند. «سعی و دقت فردوسی در ساختن شخصیت‌ها و توصیف و تبیین ویژگی‌های شخصیتی آنان عاملی است که آن‌ها را زنده و پویا نگه داشته و به زندگی و حوزه درک و لمس ما نزدیک ساخته است» (حمیدیان، ۱۳۷۲: ۵۷). از میان سه صنفی که در گزارش‌های جامعه کهن ایران از آن سخن رفته است-

پادشاهان و موبدان، پهلوانان (ارتشتاران و جنگاوران)، و کشاورزان و صنعت‌گران - در حماسه‌های اساطیری از جمله شاهنامه، مردمان در اصل دو دسته اصلی را شامل می‌شوند یعنی شاهان و پهلوانان و حماسه، وصف رفتار و کردار ایشان است. شرکت قشرهای بعدی جامعه در حماسه‌ها تنها در موارد استثنایی به چشم می‌خورد. شاهنامه از جمله آثاری است که شخصیت‌های فراوانی در آن حضور دارند و هر یک از این شخصیت‌ها را می‌توان براساس روان‌شناسی‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. استاد توس معمولاً در یک‌ایک داستان‌ها، جریان کلی وقایع را قبل از آن‌که در متن داستان اتفاق بیفتد از زبان ستاره‌شناسان، خواب‌گزاران، فال‌گیران، سروش ایزدی و موجودات مابعدالطبیعی دیگر با ما در میان می‌گذارد.

#### ۴-۲- فردوسی

حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر بزرگ قرن چهارم هجری قمری، در روزگاری می‌زیسته که حکومت‌های ترک‌نژاد به تدریج قدرت می‌گرفتند و از سوی دیگر سیاست‌های ایران ستیزانه خلفای بغداد در میان این سلسله‌ها نفوذ داشت، و این هر دو می‌توانست زبان فارسی را تا حد زیادی تضعیف کند. فردوسی با نظم داستان‌های ملی - پهلوانی کشورش در قالب منظومه‌ای وحدتمند و باشکوه، و نبوغ خویش در قالب شعر و داستان و زبان فاخر برای این کار، هم علاقه ایرانیان را به خواندن و دانستن پیشینه و هویتشان برانگیخت و هم موجب ماندگاری این گزارش در ادوار پسین شد (آیدنلو، ۱۳۹۴: ۳۳). فردوسی با هنرمندی، درک بالایی خویش را در اشعارش گنجانده است.

#### ۵-۲- خسرو پرویز

خسرو پرویز، فرزند هرمز و نوه انوشیروان، سی و هشت سال پادشاهی کرد. در دوران سلطنت هرمز، بهرام از سرداران او برای جبران بی‌احترامی پادشاه به نام پسر هرمز، خسرو، سکه می‌زند. هرمز نسبت به خسرو بدبین شده و دستور می‌دهد زهر به او بخوراند. خسرو باخبر می‌شود و به آذربایجان می‌گریزد. هرمز دو دایی خسرو، بندوی و گسته‌م را به بند می‌کشد. سپاه هرمز دو قسمت شده قسمتی سمت خسرو و قسمتی سمت بهرام می‌روند. بندوی و گسته‌م، هرمز را از تخت به پایین می‌کشند و داغ بر چشمان او می‌نهند و پرویز را از آتشکده آذرگشسپ فرا می‌خوانند و بر تخت می‌نشانند. پس از مدتی بهرام سپاه می‌آراید و برای نبرد سوی پایتخت می‌تازد. خسرو فرار کرده نزد پدر رفته با راهنمایی هرمز به سوی روم می‌رود و نامه‌ای به قیصر روم می‌نویسد. قیصر دختر خویش مریم را همسر خسرو کرده و سپاهی را به یاری او می‌فرستد. بدین ترتیب خسرو پرویز به جنگ بهرام می‌رود و پس از پیروزی مقابل بهرام، بر تخت می‌نشیند. در این زمان با عشق دوران جوانی‌اش، شیرین ازدواج می‌کند. خسرو پس از غلبه بر بهرام و فرونشاندن شورش او تا مدتی طولانی به جنگ با بیزانس می‌پردازد، اما پس از پیروزی‌های خیره‌کننده در نهایت از هراکلیوس شکست می‌خورد. پیشنهاد صلح او را نمی‌پذیرد و همه تقصیرها را به گردن سردارانش می‌اندازد و آنان را مجازات می‌کند. پس اشراف و سپاهیان با پسر خسرو - شیرویه (قباد) - هم داستان می‌شوند و خسرو را از سلطنت خلع می‌کنند و با نسبت دادن اتهاماتی او را به قتل می‌رسانند (رستگارفسانی، ۱۳۷۰: ۳۵۵). دوره پادشاهی خسرو به سه دوره تقسیم می‌شود. دوره اول، دوره اقتدار داخلی خسرو، که او تاج و تختش را از بهرام ششم (چوبینه) گرفت و با رومیان متحد شد. دوره دوم، دوره اقتدار خارجی، پس از مرگ پدرزن او، قیصر روم، خسرو پرویز به کمک سرداران بسیار لایق ارتش، شاهین و شهربراز تا مصر و از طرفی تا کالسدون را متصرف شد و به بیشترین حد پیروزی پس از عهد داریوش رسید. دوره سوم، دوره افول خسرو از بازپس‌گیری کالسدون آغاز تا کشته شدن او به تحریک شیرویه ادامه یافت (صفا، ۱۳۹۸: ۲۲۳).

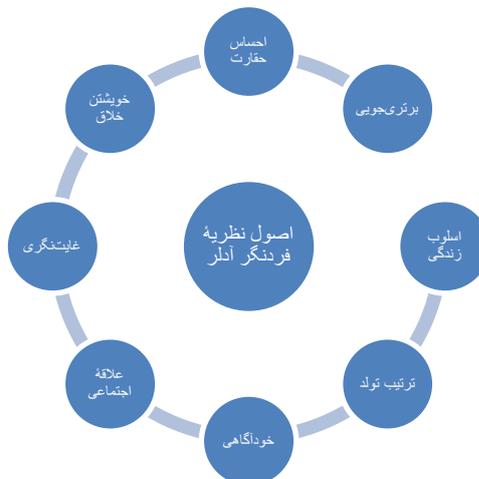
#### ۶-۲- هرمز

شاهنشاه ساسانی، هرمز چهارم، پدر خسرو پرویز، یکی از شخصیت‌های مهم شاهنامه، پسر انوشیروان دادگر بود. هرمز، برای حفظ تاج و تخت خود، با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده و نهایتاً درگیر توطئه و خشونت‌های سیاسی دوران خود شده است. داستان او نمایانگر چالش‌ها و بحران‌های مختلفی است که در دربار ساسانی وجود داشته است. یکی از شورش‌های دوران او، که تهدید جدی برای قدرت او بود، به رهبری بهرام چوبین، فرمانده بزرگ سپاه ساسانی، رخ داد. هرمز در نهایت توسط مخالفان خود از سلطنت برکنار شد و در شرایط بدی جان باخت. این رویدادها بر حاکمیت خسرو پرویز تأثیر زیادی گذاشت. رابطه هرمز و خسرو پرویز در شاهنامه فردوسی به شکلی پیچیده و پر تنش به تصویر کشیده شده است. هرمز به دلیل بحران‌های سیاسی و نظامی در دوران حکومتش تحت فشار زیادی بود. این امر باعث ایجاد تنش‌های داخلی در دربار ساسانی شد که بر رابطه او با فرزندش خسرو پرویز تأثیر منفی گذاشت. در نتیجه این تنش‌ها و تحت تأثیر توطئه‌ها و بدگویی‌هایی که علیه خسرو پرویز صورت گرفت، هرمز به خسرو بدگمان شد و او را از دربار دور کرد. خسرو پرویز مجبور به ترک کشور

و پناهندگی به بیزانس شد، که این خود نشانه‌ای از وخامت رابطه پدر و پسر است. رابطه هرمز و خسرو پرویز در شاهنامه، نمونه‌ای از پیچیدگی‌های خانوادگی و سیاسی دربار ساسانی و تأثیرات عمیق این تعاملات بر تاریخ و سرنوشت یک دودمان است. این رابطه نه تنها شخصی بلکه به شدت تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان بود.

## ۷-۲- آلفرد آدلر

آلفرد آدلر پزشک، روان‌درمانگر و نظریه‌پرداز اتریشی که او را به عنوان بنیان‌گذار روان‌شناسی فردی می‌شناسند؛ دومین فرزند خانواده، به علت بیماری راشتیسم تا چهارسالگی نمی‌توانست راه برود. در سن پنج سالگی به ذات‌الریه شدیدی مبتلا شد. در همان کودکی شاهد مرگ برادر خود بود. این اتفاقات باعث سوق پیدا کردن او به سمت پزشکی شد. آدلر ابتدا به عنوان چشم پزشک بعد پزشک و در نهایت روان‌شناس مشغول به کار شد. بر خلاف فروید که اعمال بشر را نتیجه‌غرایز و وراثت می‌دانست. یونگ نیز رفتار انسان را ناشی از طرح‌های ارثی می‌پنداشت؛ آدلر اعمال و رفتار انسان را زائیده‌کنش‌های اجتماعی می‌دانست. پایه اصلی در نظریه شخصیت فروید عوامل درونی مانند غرایز و حوزه ناخودآگاه است، اما نظریه آدلر تأکید بر عوامل بیرونی و اجتماعی و نقش آگاهی انسان در شکل‌گیری شخصیت است. یکی از انگاشته‌های آدلر این است که هر فرد در کودکی داستانی در مورد زندگی خویش خلق می‌کند. داستانی که هدایت‌گر او در سراسر زندگی است. اصول مهم نظریه آدلر عبارتند از: اصل حقارت، اصل برتری‌جویی، اسلوب زندگی، ترتیب تولد، خودآگاهی، علاقه اجتماعی، غایت‌نگری و خوب‌ستن خلاق. او اساس نظریات خود را اصل حقارت در نظر گرفته است که عدم موفقیت فرد در رفع احساس حقارت، موجب به وجود آمدن عقده حقارت می‌شود که این عقده می‌تواند به صورت مثبت یا منفی بروز کند. مثبت مثل ابداع، پیروزی در جنگ،... و منفی مثل کینه، جنگ و بدبینی است (منشی پور، ۱۳۹۲: ۵۰).



## ۳- بحث و بررسی

### ۳-۱- احساس حقارت

عقده حقارت در شاهنامه به ویژه در قالب شخصیت‌های اصلی و چالش‌هایی که با آن‌ها مواجه هستند، به وضوح نمایان است. خسرو پرویز در برابر چالش‌های سیاسی و ضعف‌هایش در مدیریت قدرت، احساس حقارت و ناتوانی را تجربه می‌کند. این احساسات بر رفتارهای او تأثیر می‌گذارد و در برخی مواقع باعث اتخاذ تصمیمات غیر منطقی و اشتباه می‌شود. این موارد نشان‌دهنده آن است که احساس حقارت یکی از عناصر مهم در تحلیل شخصیت‌های شاهنامه است و بررسی این احساسات می‌تواند به درک عمیق‌تری از داستان‌ها در تحلیل شخصیت‌ها یاری رساند. وجود احساس حقارت در تمام افراد بشر امری طبیعی و مشترک است و منبع تلاش‌های او در زندگی است که آدلر آن را امری اجتماعی می‌داند. عدم موفقیت فرد در ارتباط با احساس حقارت و نرسیدن به مقصود موجب عقده حقارت در وی می‌شود. این بیماری در شخصیت خسرو پرویز ایجاد شده است. هرمز، پدر خسرو پرویز، سالی دو ماه به استخر می‌رفت به همین دلیل دستور داده بود که اگر اسبی به کشتزاری وارد شود، صاحب اسب باید خسارت پردازد و گوش و دم اسب را ببرد و کسی را مأمور کرده بود تا مراقب باشد. روزی اسب خسرو وارد کشتزاری شد و به شاه خبر دادند و هرمز دستور داد که دم و گوش اسب او را بریده و خسارت را از او بگیرند (فرجامی، ۱۳۹۸: ۳۲۷).

بدو گفت هرمز به رفتن بگوش  
بی‌اسب را در زمان دم و گوش  
زیانی که آمد بر آن کشتمند  
شمارش بیاید شمردن که چند  
ز خسرو زیان باز باید ستد  
اگر صد زیان است اگر پانصد  
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۵۳۷)

خسروپرویز، فرزند محبوب پدر، به واسطه بزرگان از پدر درخواست بخشش برای اسب خود را دارد ولی پدر قبول نمی‌کند. بی‌توجهی به فرزند و از یاد بردن او، نقش بسیار مهم در تخریب ذهن فرزند و ایجاد حس حقارت در خسروپرویز می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت اولین عقده حقارت در او شکل می‌گیرد. احساس حقارت در صورتی که با عملکرد هدفمند و نتیجه‌بخش فرد کاهش پیدا نکند، در صورت تشدید، می‌تواند به عقده حقارت و عقده جبرانی برتری‌طلبی منجر شود.

### ۳-۲- برتری‌جویی

آدلر برتری‌جویی را اصلی‌ترین انگیزه زندگی می‌داند. انسان برای از بین بردن احساس حقارت دایم در تلاش است و سعی دارد به مرتبه‌ای بالاتر و بهتر از آنچه که هست، دست یابد. ریشه برتری‌جویی، احساس حقارت است و این دو اصل از هم تفکیک ناپذیرند. برتری‌جویی به دلیل این که پیامد احساس حقارت است جزئی از سرشت آدمی است که او را از هنگام زادن تا واپسین دم زندگی از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر پیش می‌برد و جنبه اجتماعی او را تقویت می‌کند. خسرو در پی منزلت عالی است و جنگیدن توأمان را وصول به آن می‌داند. مسلم است که او قصد دارد که با نیروی اراده، و به صورت موروثی به این مرتبه دست یابد و باید پادشاهی از آن او شود، چه بسا یکی از اهداف و نشانه‌های این افراد، تلاش برای گرفتن قدرتی است که احساس می‌کنند حق آنهاست و رسیدن به قدرت در سن کم، باعث غرور بیش از حد، و آزار اطرافیان و مردم و به احتمال زیاد باعث نابودی او می‌شود.

### ۳-۳- اسلوب زندگی

شیوه زندگی هر فرد مخصوص خود اوست و با دیگری متفاوت است. آدلر چهار نوع سبک زندگی را در نظر می‌گیرد که شامل تیپ حکمران، تیپ وابسته، تیپ دوری‌گزین و تیپ مفید می‌شود. من چه هستم؟ من چه باید باشم؟ نظر فرد در مورد اطرافیان و محیط اطراف؟ درست و نادرست‌ها از نظر فرد؟ آدلر معتقد بود که سبک زندگی تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرد که شامل: ترتیب تولد: (موقعیت فرد در خانواده، این که فرزند چندم خانواده است یا تک فرزند بودن. می‌تواند بر شکل‌گیری سبک زندگی او مؤثر باشد)، تجربیات دوران کودکی (مواجهه با چالش‌هایی مانند بیماری، فقر یا توجه بیش از حد یا کمبود توجه از سوی والدین)، احساس حقارت (این احساسات چه ناشی از ضعف‌های واقعی بدنی یا روانی باشد و چه ناشی از مقایسه با خواهر یا برادر یا انتظارات اجتماعی، محرک اصلی شکل‌گیری سبک زندگی هستند. فرد برای غلبه بر این احساسات، سبک زندگی خاصی را ایجاد می‌کند) و نحوه برخورد والدین (والدینی که بیش از حد حمایت‌گر یا بیش از حد مستبد هستند، می‌توانند بر شکل‌گیری سبک زندگی ناکارآمد در فرزندان تأثیر بگذارند). آدلر سبک زندگی را برای حل و فصل مشکلاتی مربوط به رفتار، شغل، عشق و محبت، مطرح کرد. این الگوی رفتاری شامل راه‌هایی است که فرد برای رسیدن به اهداف خود به کار می‌برد. «ما الگوی منحصر به فردی از خصوصیات، رفتارها و عادت‌ها را پرورش می‌دهیم که از تعامل‌های اجتماعی سال‌های اولیه زندگی آموخته می‌شود و آدلر آن را سبک زندگی نامید. در واقع الگوی رفتارهای هر شخص که برای جبران کردن حقارت ترتیب یافته‌اند، بخشی از سبک زندگی او می‌شوند. سبک زندگی تعیین می‌کند که به کدام جنبه‌های محیط توجه کنیم یا آن‌ها را نادیده بگیریم و چه نگرش‌هایی داشته باشیم.» (شولتز: ۱۳۸۳، ۱۹۹).

### تقسیم‌بندی مفهوم سبک زندگی از دیدگاه آدلر

آدلر برای روشن‌تر کردن مفهوم سبک زندگی مخرب و سازنده، آن را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱- تیپ حکمران (dominant type): یکی از الگوهای رفتاری ناکارآمد است که در آن فرد برای مقابله با احساس حقارت و اضطراب، سعی می‌کند بر دیگران تسلط پیدا کند و آن‌ها را کنترل نماید. این افراد معمولاً خود را برتر از دیگران می‌دانند و به دنبال جلب توجه و قدرت از طریق سلطه جویی هستند. «به نظر آدلر این تیپ فاقد علاقه اجتماعی و جرأت است. آنان با اعمال ضد اجتماعی خود در صدد کم کردن اضطرابشان بر می‌آیند. این تیپ باید دیگران را کنترل کند تا

احساس اقتدار و مهم بودن نماید» (رایکمن: ۱۳۸۷، ۱۳۶). از دیدگاه شولتز، چنین فردی بدون توجه به دیگران رفتار می‌کند که در نوع افراطی آن به دیگران حمله می‌کند و آزارگر، بزهکار، یا جامعه‌ستیز می‌شود. «نوع کمتر خطرناک آن، الکلی، معتاد به مواد مخدر می‌شود یا خودکشی می‌کند؛ آن‌ها معتقدند با حمله کردن به دیگران به خودشان آزار می‌رسانند» (شولتز، ۱۳۸۳: ۲۰۱).

قدرت گاهی به دنبال خود دروغ، خودبزرگ‌بینی، ریاکاری و... را در پی دارد. خسرو پرویز نیز از این قاعده جدا نیست و به دنبال کسب قدرت به اعمالی دست می‌زند. «او با دو دایی خویش گسته‌م و بندوی به آهنگ یاری خواستن از قیصر برای رسیدن به پادشاهی ایران به سوی روم می‌شتابد، گسته‌م و بندوی از بیم آن‌که مبادا بهرام چوبین در غیبت آن‌ها، هر مز پدر کور وی را به شاهی بردارد و از سوی او به قیصر نامه بنویسد و پرویز را به عنوان سربازی فراری از او مطالبه کند، به آهنگ کشتن هر مز، به اقامتگاه وی می‌آیند و او را می‌کشند. پرویز با آن‌که از قصد دو دایی خویش آگاه است، از این کارشان باز نمی‌دارد و بدین گونه عملاً در قتل پدر با آنان همداستانی می‌کند. انگیزه این قتل نیز رسیدن به قدرت است» (سرامی، ۱۳۸۸: ۴۴۸).

در قسمت دیگری نقشه مرگ بهرام چوبینه را در سر می‌پروراند و از خراد برزین کمک می‌خواهد و بدین ترتیب سردار چیره‌دست ایرانی به قتل می‌رسد.

چن آگاهی آمد به شاه بزرگ	که از بیشه بیرون خرامید گرگ،
سپاهی بیاورد بهرام گرد	که از آسمان روشنایی ببرد،
به خراد برزین چنین گفت شاه	که "بگزین بر این کار، بر خانه راه!

(فردوسی، ۱۳۹۸: ۹۷۶)

به گفته حکیم فرزانه و خرد دوست توس، خسرو پرویز بعد از مرگ بهرام، به فکر کشتن قاتلان پدر افتاد با آن همه شکوه و جلال و دادگری سرانجام بر آن روش خردمندانه نماند، بیدادگری پیشه کرد و سبب ویرانی ملک خود گردید. خسرو پرویز نه تنها خود ستمگر شد، بلکه از کارهای بد دیگر کهتران خود نیز شادمان بود.

کشنده پدر هر زمان پیش من	همی بگذرد، چون بود خویش من؟!
چو روشن روانم پر از خون بود	همی پادشایی کنم، چون بود؟!

(همان: ۹۹۲)

این تیپ اغلب در رفتار خود پرخاشگر و کنترل‌گر بوده و ممکن است از زور، تهدید و تحقیر برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند. «خسرو پرویز علت شکست خود از هراکلیوس را به گردن سردار "شهربراز" می‌اندازد، از این رودستور کشتن او را می‌دهد و در صدد تنبیه فرماندهان ایرانی در کشور روم شرقی بر می‌آید و در همین زمان کوچ‌نشینان شمال ایران از این موقعیت استفاده و ضربه سنگینی به ارتش ایران وارد می‌کنند» (پورعبدالله، ۱۳۹۳: ۳۰۹). یاران نزدیک خسرو که بیدادگری خسرو را می‌بینند دیگر با او همراهی نکرده و بر ضد او نیز اقداماتی انجام می‌دهند.

چن آن دادگر شاهبیداد گشت	به بیدادی کهتران شاد گشت
بیامد فرخ آرمگان	دژم روی با زیردستان ژکان
ز هرکس همی خواسته بستدی	همی این بر آن، آن بر این بر زدی
به نفرین شد آن آفرین‌های پیش	که چون گرگ بیدادگر گشت میش
بیاراست بر خویشتن رنج نو	نکرد آرزو جز همه گنج نو
چو بی‌نان و بی‌آب و بی‌تن شدند	از ایران سوی شهر دشمن شدند

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۰۲۹)

خسرو به نوعی، خود بیگانگی سرمایه‌دار است؛ یعنی سرمایه‌دار جهان را فقط از پشت عینک سودطلبی می‌بیند و بس. آدم‌ها تا زمانی مفید هستند که منشأ سود باشند و اگر چنین نباشد باید دور ریخته شوند. انسان چون از فناشدن گریزان است به دنبال قدرت است و گاهی برای این کار از شمشیر و زور استفاده می‌کند (رحیمی، ۱۳۶۹: ۸۶). روزی خسرو جامی را با نام بهرام دید که او را به خشم درآورد پس فرمان داد تا ری، محل زندگی بهرام، را ویران کنند و با خودخواهی او دامن مردم ری را هم گرفت.

چنین گفت کاکنون بروبوم ری  
بکوبند پیلان جنگی به پی!  
همه مردم از شهر بیرون کنند!  
همه ری به پی دشت هامون کنند  
(همان: ۹۹۹)

این افراد معمولاً به نیازها و احساسات دیگران کمتر توجه می‌کنند و آن‌ها را تنها به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خود می‌بینند. با توجه به داستان، خسرو بدون توجه به حرف بزرگان شیرین را به همسری خویش در می‌آورد خسرو در اواخر حکومت ظلم پیشه می‌کند و باجگیری آغاز کرده، باعث گریختن مردم از کشور می‌شود. شاید این نارضایتی‌ها در سرنوشت ساسانیان بی تأثیر نبوده باشد و سبب ویرانی ملک خویش گردید.

خسرو پرویز یکی از نمادهای سلطه‌گری و قدرت است که در جنگ‌ها و نبردها به خشونت روی می‌آورد. در داستان‌های مربوط به خسرو پرویز، اشتباهات و تصمیمات خشونت‌آمیز او منجر به خسارت‌های فراوان برای کشور و مردمش می‌شود. به طور کلی خسرو پرویز نماینده‌ای از قدرت، خشونت در شاهنامه است که حوادث مربوط به او نشان‌دهنده تعارضات انسانی و اخلاقی در مقیاس وسیع می‌باشد.

**۲- تیپ وابسته (getting type):** از الگوهای رفتاری ناکارآمد است که به تمرکز اصلی آن بر وابستگی شدید به دیگران برای کسب امنیت، تأیید و هویت است. این دسته از آدم‌ها نسبتاً منفعل هستند و برای حل مشکلات، تلاش زیادی نمی‌کنند و برای انجام کارها، کسب موفقیت یا حتی تصمیم‌گیری به شدت به حمایت، راهنمایی یا تأکید دیگران متکی هستند. «فرزندان خانواده‌های مرفه که هرچه می‌خواهند، فوراً برای آن‌ها تأمین می‌شود، جزو این دسته هستند. آن‌ها به دلیل آن‌که در چنین محیطی بزرگ شده‌اند، ضرورتی نمی‌بینند خودشان کاری کنند. این گروه چون اعتماد به نفس ندارند، اطراف خود را از آدم‌هایی پر می‌کنند که در برابر خواسته‌های آن‌ها سر تسلیم فرود می‌آورند. تیپ وابسته معمولاً با حربه جاذبیت، دیگران را ترغیب می‌کنند به او کمک کنند» (رایکمن، ۱۳۸۷: ۱۳۵). ازدواج خسرو با مریم دختر قیصر روم که خسرو به روم روی آورد. احساس بی‌کفایتی را در خسرو نمایان می‌سازد. نیز وابستگی خسرو به دو دایی خویش برای رسیدن به قدرت از نشانه‌های تیپ وابسته است. زندانی کردن پدر، نشان می‌دهد که خسرو وابسته به قدرت است و نوعی تیپ وابسته دارد. او ترس از طرد شدن از طرف پدر را دارد. البته در این تیپ افراد در نهایت به استقلال کافی نمی‌رسند اما فقط در جوانی خسرو است که این وابستگی را می‌بینیم.

**۳- تیپ دوری‌گزین (avoiding type):** یکی از الگوهای رفتاری ناکارآمد است که در آن فرد برای مقابله با احساس حقارت و اضطراب از چالش‌ها و موقعیت اجتماعی دوری می‌کند. «این گروه از افراد اعتماد به نفس لازم برای حل بحران‌ها را ندارند. آن‌ها به جای درگیر شدن از رویارویی با مشکلات و در نتیجه از شکست احتمالی فرار می‌کنند. آدم‌های دوری‌گزین معمولاً غرق در خود و خیال‌بافی هستند و خود را برتر از دیگران می‌پندارند» (رایکمن، ۱۳۸۷: ۱۳۵). در شاهنامه فردوسی شخصیت خسرو پرویز به عنوان شاهی با ویژگی‌های پیچیده، به ویژه در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات، ثبت شده است. گرچه خسرو پرویز در تاریخ به عنوان یک شاه قوی و پرشور شناخته می‌شود، اما او نیز در برخی موقعیت‌ها نشان‌دهنده نوعی دوری‌گزینی است.

در داستان خسرو پرویز، او در مواجهه با تهدیدات داخلی و شورش‌ها گاهی از عمل قاطع اجتناب می‌کند. او به جای آن تصمیماتی بگیرد که به طبع آن‌ها احساس سردرگمی کرده و به تهایی بر مشکلات صادقانه روبرو نمی‌شود. خسرو پرویز مسئولیت شکست در جنگ را نمی‌پذیرد و دو سردار شجاع خود را برای این کار بازخواست می‌کند. این افراد مسئولیت کار خود را نپذیرفته و تقصیر را به گردن شانس یا دیگران یا عوامل دیگر می‌اندازند. خسرو در دوره‌ای به دلایل سیاسی و تهدیدات خارجی تصمیم به فرار می‌گیرد، که این اقدام می‌تواند نمایانگر ویژگی‌های تیپ دوری‌گزین در او می‌باشد.

افراد دارای تیپ دوری‌گزین اغلب به کناره‌گیری از جامعه و برقراری روابط سطحی یا محدود دارند تا از قضاوت یا طرد شدن احتمالی جلوگیری کنند و به سختی با مشکلات روبرو شده و ترجیح می‌دهند آن‌ها را نادیده بگیرند یا امیدوار باشند که خودبه‌خود حل شوند. اعتماد به نفس لازم را ندارند.

در برخی از بخش‌های داستان او به مشاوران و اطرافیان خود وابسته است و ممکن است تصمیمات مهمی را به آن‌ها بسپارد، به جای این‌که خود مستقل عمل کند. اما در قسمتی از داستان، خسرو پرویز علازغم میل بزرگان و موبدان تصمیم می‌گیرد شیرین را به همسری انتخاب کند.

چو آگاهی آمد ز خسرو به راه  
به نزد بزرگان و نزد سپاه  
که شیرین به مشکوی خسرو شده‌ست  
کهن بوده کار چنین نو شده‌ست  
همه شهر از آن کار غمگین شدند  
پر اندیشه و درد و نفرین شدند  
کنون تخمه مهتر آلوده گشت  
بزرگی از آن تخمه پالوده گشت  
به ایران مگر زن نبودی جز این  
که خسرو بر او خواندی آفرین

(فردوسی، ۱۳۹۴: ۱۰۱۴)

خسرو گاهی برای حفظ ظاهر و سلطنت خود، دست به اعمالی می‌زند که نشان‌دهنده ترس از طردشدن و بی‌اعتباری است. در انتهای حکومت که مردم برای او بی‌اهمیت شده‌اند و فقط به گسترش قلمرو خود فکر می‌کند و فاصله گرفتن او از اجتماع را مشاهده می‌کنیم. «خسرو پرویز به سربازان امپراتوری روم که او را یاری کرده بودند، در دادن پاداش زیاده‌روی می‌کند و این بزرگان ایران را آزار می‌داد زیرا رومیان را دشمنان سنتی ایران می‌دانستند. افزون بر این خسرو پرویز جهت جلوگیری از دخالت خانواده‌های کهن در امور کشوری، آن‌ها را دور و گوشه‌نشین می‌کند. او تنها به نیروی نظامی و روحانیت متکی بود» (پورعبدالله، ۱۳۹۳: ۳۰۷). این سه تیپ برای مقابله با مشکلات زندگی روزمره، آمادگی ندارند و نمی‌توانند با دیگران همکاری کنند. تضاد بین سبک زندگی آن‌ها و دنیای عملی، به رفتار نابهنجار منجر می‌شود که به صورت روان‌رنجوری‌ها و روان‌پریشی‌ها جلوه‌گر می‌شود و فاقد علاقه اجتماعی هستند. همان‌طور که مشاهده کردیم، این سه تیپ به نوعی در شخصیت خسرو پرویز، بارز بود.

۴- تیپ مفید (type socially useful): افرادی هستند که به سمت رشد شخصی، سازگاری و مشارکت فعال در جامعه گرایش دارند. آن‌ها به دنبال موفقیت و تعلق در زندگی هستند. «در این تیپ، کودکان در خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند که اعضای آن‌ها به هم کمک کرده و از یکدیگر حمایت می‌کنند. اعضای این خانواده‌ها با یکدیگر محترمانه رفتار می‌کنند. در رویارویی با استرس و مشکلات به اختلاف و پرخاشگری روی نمی‌آورند. در عوض، خطر مواجهه مستقیم با مشکلات را به جان می‌خرند و از این طریق مشکلات را حل می‌کنند. در بزرگسالی به اعضای خانواده خود احترام می‌گذارند و با آنان با محبت و دوستانه رفتار می‌کنند و بقیه را فریب نمی‌دهند» (رایکمن، ۱۳۸۷: ۱۳۶). در واقع این افراد هدف مشخصی را در زندگی دنبال می‌کنند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. آن‌ها مشکلات را چالش‌هایی برای قدرت و نه موانعی نفوذناپذیر می‌دانند. با این که بهرام چوبینه، از سرداران با نفوذ ساسانی، مانعی بزرگ برای خسرو به حساب می‌آید اما او ناامید نشده به روم می‌گریزد. در نهایت با خودباوری و اعتماد به نفس به هدف خود که پادشاهی ایران است برسد. در جایی دیگر از داستان خسرو که دل‌باخته شیرین شده با مخالفت بزرگان روبه‌رو می‌شود. او ناامید نشده و با تلاش بسیار و استفاده از راه‌حلی خلاقانه موافقت بزرگان را به دست آورده و با شیرین ازدواج می‌کند. «در شاهنامه فردوسی می‌بینیم که برای نشستن بر تخت شاهی همواره پشتیبانی اشراف، موبدان و مردم ضروری بوده‌است و پادشاه جدید می‌بایست از توانایی‌های جسمانی و فکری روانی، که لازمه حکومت‌داری بود، بهره‌مند باشد» (پورعبدالله، ۱۳۹۳: ۱۸۳). از این رو می‌توان گفت که خسرو پرویز مسئولیت‌پذیر است و به جامعه خود اهمیت می‌دهد. سعی می‌کند به بهبود جامعه و پیشرفت آن کمک کند. خسرو پرویز زمانی که بر تخت می‌نشیند، به نیک‌بختی مردم می‌اندیشد و یزدان را ستایش می‌کند و همه را به داد و نیکی تشویق می‌کند. او برنامه کاری خود را بیان می‌کند تا بزرگان و موبدان را قانع کند:

چو خسرو نشست از بر تخت زر	برفتند هر کس که بودش هنر
گرانمایگان را همه خواندند	بر آن تاج نو گوهر افشاندند
به موبد چنین گفت این تاج تخت	نیابد مگر مردم نیک‌بخت!
مبادا مرا پیشه جز راستی	که بیدادی آرد همه کاستی!
ابا هر کسی رای ما را بهیست	ز پیکارکردن سر ما تهی‌ست
ز یزدان پذیرفتم این تخت نو	همین روشن و مایه‌ور بخت نو
شما نیز دل‌ها به فرمان نهید	به هر کار با ما سه پیمان نهید:
از آزدن مردم پارسا	و دیگر کشیدن سر از پادشا
سیم دور بودن ز چیز کسان	که دردم بود سوی آن‌کس رسان

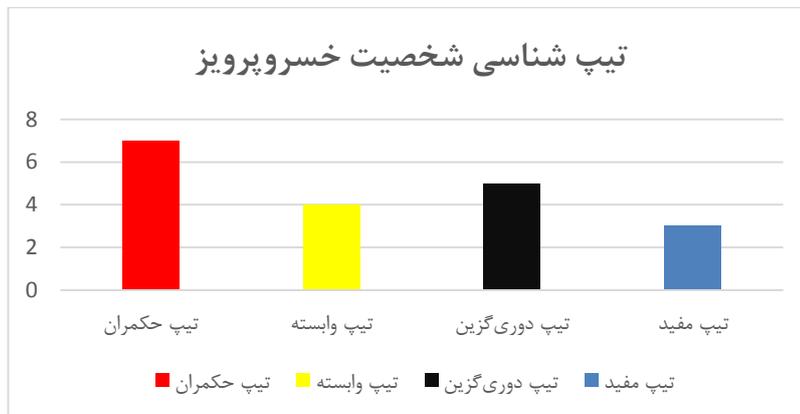
(فردوسی، ۱۳۹۶: ۵۵۷)

خسرو مسئولیت خود را به عنوان فرزند به جای می‌آورد. از تخت پایین رفته و از پدر دلجویی می‌کند:

جهانگیر شد تا به نزد پدر	نهانش پر از درد و خسته جگر
چو دیدش بنالید و بردش نماز	همی بود پیشش زمانی دراز
بدو گفت: کای شاه نابختیار	ز نوشین‌روان در جهان یادگار
تو دانی کاگر بودمی پشت تو	به سوزن نخستی سرانگشت تو
نگر تا چه فرمایی اکنون مرا	غم آمد تورا، دل پر از خون مرا
گر ایدونکه فرمان دهی بر درت	یکی بندهام پاسبان سرت

نجویم کلاه و نخواهم سپاه ببرم سر خویش بر پشت شاه  
(همان: ۵۵۷)

هنگامی که خسرو پرویز تواضع و فروتنی خود را نسبت به پدر بیان می‌کند، هر مز سه خواسته خویش را مطرح می‌سازد و خسرو قول می‌دهد که به موقع آن‌ها را برآورده کند. خسرو پرویز برای سلطنت خود برنامه دارد. راه‌حل‌های خلاقانه‌ای بیان می‌کند و به طور مداوم در پی یادگیری و ورشده شخصی است. او مرزهای حکومت خود را به چهار بخش تقسیم کرده و هر قسمت را به یک نفر واگذار می‌کند. در کارها با موبدان و خردمندان رای می‌زد و به کار مردم رسیدگی می‌کند. ماه را به چهار قسمت تقسیم می‌کند. قسمتی را به چوگان و تیراندازی و شکار، قسمتی را به شطرنج و نرد و قسمتی را به سخنان گذشتگان و قسمتی را به پذیرش فرستندگان می‌پردازد. در پنجمین سال پادشاهی، در جهان بی‌همتا می‌شود. در یک جمع‌بندی، شخصیت خسرو پرویز در ویژگی‌های مثبت، شامل: وفاداری به پیمان در مقابل رومیان پس از پیروزی بر بهرام، دادگری مردم در آغاز سلطنت، نماز بردن بر پدر، ستودن و دلداری دادن او؛ نشان‌دهنده تیپ مفید در خسرو پرویز است.



### ۳-۴- ترتیب تولد

آدلر ترتیب تولد را به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر اجتماعی در دوران کودکی دانست که بر ماهیت سبک‌زندگی فرد اثر می‌گذارد. وی معتقد است فرزند اول توجه کامل و درست والدین را دریافت می‌کند. به عقیده آدلر فرزندان اول در فکر قدرت و اقتدار هستند و نسبت به شهرت رسیدن آنها بیشتر از کودکان دیگر است. آن‌ها نیز در مشاغل معتبرتری کار می‌کنند (شولتز، ۱۳۸۳: ۲۲۱). با توجه به شاهنامه به احتمال زیاد خسرو یا فرزند اول یا پسر اول بوده که تا این حد مورد توجه پدر بوده است. پس به احتمال زیاد علاقه او برای رسیدن به قدرت می‌تواند به این دلیل باشد.

پسر بود مر او را گرامی یکی که از ماه پیدا نبود اندکی،  
مر او را پدر کرده پرویز نام گهش خواندی خسرو شادکام  
نبودی جدا یک زمان از پدر پدر نیز نشکفتی از پسر  
(همان: ۸۱۰)

### ۳-۵- خودآگاهی

خودآگاهی مرکز شخصیت است. آدلر می‌گوید انسان خالق شخصیت خود است و از رفتار خود، آگاهی دارد. فرد خودآگاه، از کمبودها و نارسایی‌های خویش آگاهی دارد و از هدف‌هایی که دنبال می‌کند مطلع است و برای کارهایی که پیش رو دارد، نقشه می‌کشد، طرح می‌ریزد و به عمل می‌پردازد. خسرو برنامه و هدف‌های خود را مشخص می‌کند. سخنرانی او در هنگام به تخت نشستش بسیار خردمندانه است. او تخت و تاج از وجود یزدان، مردم نیک بخت و دادوراستی می‌داند و پیمان می‌بندد.

شما نیز دل‌ها به فرمان نهید به هر کار با ما سه پیمان نهید:  
از آزدن مردم پارسا و دیگر کشیدن سر از پادشا  
سیم دور بودن ز چیز کسان که دردش بود سوی آن‌کس رسان  
(همان: ۸۷۹)

و آن زمان که اهداف ناهشیارانه او سبب می‌شود که نداند که چه راه‌ها و گزینه‌هایی در مقابل اوست. عقدهٔ حقارت میزان خودآگاهی را کاهش و سلب می‌کند. خسرو زمانی که به خود مغرور می‌شود و ستم پیشه می‌کند یا این که در جریان زندانی کردن پدر، دست دارد. خسرو در روند زندگی خود به تدریج خودآگاهی خود را از دست می‌دهد و برای رسیدن به اهداف خویش راه‌هایی را برمی‌گزیند که از عاقبت آن آگاه نیست. خسرو سی و هفت-هشت سال حکومت کرد که ۲۴ سال جنگ با رومیان تمام قلمرو آسیای آشیان علاوه مصر را از چنگ رومیان درآورد اما با لجاجت بی‌منطق خود از تقاضای صلح سرداران در اوج موفقیت ایشان روی برتافت و چندین سال بعد مجبور شد پشت دروازه‌های تیسفون از پایتخت خود دفاع کند.

### ۳-۶- علاقه اجتماعی

از نظر آدلر تعامل سه عامل: بدنی، روانی و اجتماعی شیوهٔ اجتماعی را به وجود می‌آورد که در هر شخص منحصر به فرد و یگانه است که عامل اجتماعی نقش مهمی در تعیین شخصیت دارد. مفهوم علاقه اجتماعی از دید آدلر، استعداد فطری همکاری کردن فرد با دیگران برای رسیدن به هدف‌های شخصی و اجتماعی تعریف شده است و میزان تحقق آن به تجربیات اولیهٔ ما بستگی دارد. فعالیت و تلاش فرد موجبات شکست او را فراهم می‌آورد و در نتیجه علاقه اجتماعی در وی کاهش می‌یابد و کاهش علاقه اجتماعی او را به سوی برتری جویی شخصی و احیاناً مرضی سوق می‌دهد (شولتز، ۱۳۸۳: ۲۰۲).

کسانی که احساس علاقه اجتماعی ندارند، امکان دارد روان رنجور و حتی تبهکار شوند. آدلر خاطر نشان کرد که مصیبت‌ها، از جنگ گرفته تا تنفر نژادی و مستی علنی، از فقدان علاقه اجتماعی برانگیخته می‌شوند. افراد بیشتر از نیاز به قدرت و سلطه جویی، توسط علاقه اجتماعی برانگیخته می‌شوند (همان: ۲۰۳).

### ۳-۷- غایت‌نگری

انتظاراتی برای آینده که در عین حال که ممکن است کاملاً تخیلی باشند و امکان تحقق آن‌ها فراهم نباشد تأثیر عمیقی بر رفتار شخص می‌گذارد و او را به سوی کمالات برتر سوق می‌دهد. پدر به هر دلیلی قصد جان پسری را دارد که بیشتر از فرزندان خود به او اهمیت داده و با او وقت می‌گذراند شاید بتوان گفت لوس و ناز پرورده است. این اصلی‌ترین احساس حقارتی است که تبدیل به عقدهٔ حقارت می‌شود. باعث تلاش بیشتر خسرو برای پادشاه شدن و غلبه بر بهرام و لشکرگشایی‌هایی فراوان و فتح سرزمین‌های بسیار می‌شود. او به دستاوردهای نظامی چشمگیری دست یافت و قلمرو حکومت خود را تا حدود قلمرو هخامنشیان وسعت بخشید.

ز توران و از هند و از چین و روم	ز هر کشوری کان بد آباد روم
همی باژ بردند نزدیک شاه	به رخشنده روز و شبان سیاه
غلام و پرستنده از هر دری	ز در و ز یاقوت و هر گوهری
ز دینار گنجشکرانه نبود	چن او خسرو اندر زمانه نبود

(همان: ۱۰۲۸)

### ۳-۸- خویشتن خلاق

برخلاف فروید که رفتار را نتیجهٔ نیروی ناهشیار مبهم می‌داندست و یا برخلاف یونگ که می‌گفت: «تجارب اولیهٔ زندگی، کنترل‌کننده و تعیین‌کنندهٔ چگونگی رفتار ما هستند»، آدلر خاطر نشان کرده است که ما قادر هستیم هشیارانه، اعمال و رفتارمان را انتخاب کنیم. آدلر چنین توانایی انتخاب را در خود خلاق نامیده که هشیارانه است و در مرکز شخصیت قرار دارد. خسرو هر طور می‌تواند خود را به رؤیای پادشاه شدن خود می‌رساند.

چو خسرو نشست از بر تخت زر	برفتند هرکس که بودش گهر
گرانمایگان را همه خواندند	بر آن تاج نو گوهر افشاندند

(همان: ۸۷۹)

## نتیجه‌گیری

در مجموع، از منظر نقد روان‌کاوی و تحلیل روان‌شناسی شخصیت خسرو پرویز بر مبنای نظریه آلفرد آدلر، به این نتیجه می‌رسیم که احساس حقارت، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارها و تصمیمات این پادشاه بزرگ داشته باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شخصیت خسرو پرویز تحت تأثیر محیط و شرایط اجتماعی و نزدیکان او شکل گرفته است. خسرو پرویز پادشاه بزرگ ایران هیچگاه نتوانسته است حامی دلسوز و حقیقی پیدا کند و با توجه به نازپروردگی و غفلت و تحقیر، دچار عقده حقارت می‌شود که باعث پدید آمدن رفتارهای نابهنجار و ناشایست چون فریبکاری، تنفر و بدبینی در او می‌شود و می‌توان گفت انگیزه واقعی رفتار او در بسیاری از مواقع، برتری جویی و احساس مهتری و کسب قدرت است که همه آنها ریشه در عقده حقارت دارد. به هر حال اگر آدمی برای جبران عقده حقارت، طریقه مثبت و سزاواری را پیش گیرد هم خود پیش می‌رود و هم به جامعه سود می‌رساند و اگر طریقه منفی و ناسزایی را پیش گیرد هم خود و هم جامعه دچار آسیب می‌شوند. خسرو پرویز به عنوان یک شخصیت پیچیده در شاهنامه، ترکیبی از ویژگی‌های مثبت و منفی را در خود دارد. هرچند او در تحقق اهداف و رؤیاهای شخصی خود قوی و مصمم است، اما در برخی از موقعیت‌ها رفتارهایی از خود نشان می‌دهد. این ناپایداری در رفتار و تصمیماتش همچنین نشان‌دهنده چالش‌های انسانی و اخلاقی است که در تاریخ و ادبیات ایران به تصویر کشیده شده است. چهار تیپ شخصیت آدلر، به نوعی در کنش خسرو پرویز تأثیرگذار بوده‌اند و به نظر می‌رسد تیپ حکمران، ویژگی بارزتری در شخصیت خسرو پرویز بوده است. نظریه آدلر به عنوان یک ابزار تحقیقی توانست به درک عمیقی از شخصیت خسرو و رفتار او کمک کند و با تأکید بر اهمیت سبک زندگی، توانایی تحلیل وقایع تاریخی را با عمق بیشتری فراهم آورد و به پژوهشگران کمک کند تا از منظر روان‌شناسی اجتماعی به داستان‌ها و روایت‌ها نگاه کنند.

## منابع

۱. آدلر، آلفرد (۱۳۷۰). روان‌شناسی فردی، مترجم: حسن زمانی شرفشاهی، تهران: تصویر.
۲. آیدنلو، سجاد (۱۳۹۴). شاهنامه (۲) شاخ سرو سایه فکن، تهران: سمت.
۳. امین‌زاده، سلیمان (۱۳۸۹). پدران و پسران به روایت تاریخ و شاهنامه فردوسی، خسرو پرویز، شیرویه و شیرین شاهدخت ایرانی، شماره چهارده، علمی پژوهشی دانشگاه آزاد.
۴. پورعبدالله، حبیب‌الله (۱۳۹۳). ساسانیان در شاهنامه، تهران: کلههر.
۵. جعفری، مرضیه (۱۴۰۱). بازخوانی خسرو و شیرین از دید نقد روان‌کاوی، ادبیات و زبان‌ها: نشریه پاژ، شماره ۴۷، صص ۷۶-۹۱.
۶. حسینی مقدم، اسما (۱۳۹۵). تحلیل شخصیت خسرو در منظومه خسرو و شیرین نظامی با تکیه بر نظریه معنا محور، شماره سه.
۷. حقیقت‌پور، نصیبه؛ سعید ضیایی؛ زهرا سادات شریفی و فاطمه یزدانی (۱۴۰۲). تحلیل روان‌شناسانه شخصیت بهمن در بهمن‌نامه و شاهنامه براساس نظریه آلفرد آدلر. هجدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی.
۸. دادستان، پریخ (۱۳۷۶). آدلر و آدلرنگری، روان‌شناسی نشریه روان‌شناسی، شماره چهار، صص ۳۰۳-۳۲۹۱.
۹. رایکن، ریچارد. ام. (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت، مترجم: مهرداد فیروزبخت، تهران: ارسباران.
۱۰. رحیمی، مصطفی (۱۳۶۹). تراژدی قدرت در شاهنامه، تهران: نیلوفر.
۱۱. رستگارفسائی، منصور (۱۳۷۰). فرهنگ نام‌های شاهنامه (جلد اول الف-س)، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۲. رضایی، مهدی و لیلا اکبری (۱۴۰۰). روایت شاهنامه از گفتمان قدرت در داستان بهرام چوبینه و خسرو پرویز، ادبیات و زبان‌ها، پژوهش‌نامه ادب حماسی، شماره سی و یک، صص ۱۴۷-۱۶۶.
۱۳. شاملو، سعید (۱۳۸۴). روان‌شناس بالینی. تهران: رشد.
۱۴. شایگان‌فر، حمیدرضا (۱۳۸۴). نقد ادبی معرفی مکاتب نقد همراه با نقد و تحلیل شواهد و متونی از ادب فارسی، تهران: دستان.
۱۵. شولتز، دوان و سیدنی آلن شولتز (۱۳۸۳). نظریه شخصیت. مترجم: یحیی سید محمدی، تهران: هما.
۱۶. صدیقی، مصطفی (۱۳۹۱). یکی کودکی دوختند از حریر؛ تحلیل شخصیت سام بر پایه نظریه آدلر و نمایش درمانی، کهن‌نامه ادب پارسی، س ۳، ش ۲، صص ۶۷-۸۹.
۱۷. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۹۸). حماسه سرایی در ایران، تهران: ققنوس.
۱۸. عبدالله‌پور، ستار؛ آرش، مشفق و غلامحسین، جوانمرد (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل شخصیت کوش پیل‌دندان بر پایه نظریه عقده حقارت آلفرد آدلر، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره پانزده.
۱۹. غلامی، ذوالفقار؛ رقیه، موسوی و افسانه، اکبرزاده مقدم (۱۳۹۷). فرایند فردیت در داستان خسرو و شیرین با تکیه بر شخصیت خسرو از دیدگاه یونگ، شماره سی، دانشگاه خوارزمی.
۲۰. فاطمی، سید حسین و مریم درپر (۱۳۸۸). بررسی ساز و کار شخصیت‌ها در خسرو و شیرین نظامی با استفاده از الگوی کنش گرگ‌ریماس، جستارهای نوین ادبی، شماره چهار.
۲۱. فرجامی، مهناز (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی شخصیت‌های شاهنامه و تاریخ بلعمی، تهران: آموزشی و پرورشی بوعلی.
۲۲. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۶). شاهنامه، به کوشش جواد نصرتی بیابانکی، تهران: آفتاب طوس.
۲۳. فرگوسن، ایوادرایکورس (۱۴۰۰). نظریه‌های تحلیل روان ۳ (مقدمت روان‌شناسی آدلر)، تهران: پندار تابان.

۲۴. قائدعلی، صدرا (۱۳۸۲). تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی در دو منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون، شماره سه.
۲۵. کارور، چارلز، شی‌یر، مایکل اُف (۱۳۷۵). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۶. ملک، زهره و سیاوش جعفری (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل شخصیت خسرو در منظومه خسرو و شیرین بر اساس نظریه فروید، شماره یک و دو.
۲۷. منوچهریان، پرویز (۱۳۵۷). عقده حقارت، تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. منصور، محمود (۱۳۵۸). احساس کهنتری، تهران: دانشگاه تهران.
۲۹. یونسی، ابراهیم (۱۳۸۴). هنر داستان نویسی، تهران: نگاه.

## Examining the Personality of Khosrow Parviz of Sassanid in Ferdowsi's Shahnameh based on Alfred Adler's Theory

Mohaddeseh Mohammadi<sup>1</sup>, Nasrin Ghadamgahi-Sani<sup>2</sup>, Mohammad Rajabi<sup>3</sup>

<sup>1</sup>PhD student, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

<sup>2</sup>Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

(Corresponding author)

<sup>3</sup>Assistant Professor, Department of Basic Sciences and Educational Sciences, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Email: [ghadamgahi@iau.ac.ir](mailto:ghadamgahi@iau.ac.ir) (Corresponding author)

### Abstract

This study aims to analyze the character of Khosrow Parviz, a Sasanian king, through the lens of literary psychology. It falls within the domain of psychological literary studies and utilizes the theory of Alfred Adler (1870-1937), the Austrian psychologist, particularly his concept of the inferiority complex.

Using a descriptive-analytical method, the article attempts to explore the decisions and behaviors of Khosrow Parviz in Ferdowsi's Shahnameh from a psychological perspective. The findings show that childhood experiences, family relationships, and social pressures played a significant role in shaping his complex and often contradictory personality.

The study emphasizes that Khosrow Parviz's actions were largely driven by a desire to compensate for feelings of inferiority through a quest for superiority-making these emotions one of the most significant motivators of his behavior.

This research highlights the importance of psychological analysis of literary texts and how mental states can influence an individual's destiny. It also shows that Ferdowsi, through a profound understanding of human psychology, created a vivid and multi-layered character, illustrating the broad negative consequences of an unhealthy inferiority complex for both individuals and society.

**Keywords:** Inferiority complex, Alfred Adler, Ferdowsi, Shahnameh, Khosrow Parviz.